

پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران^۱

فاطمه ترابی^۱

عباس عسگری ندوشن^۲

در نتیجه تجربه گذار جمعیتی در چند دهه اخیر، ساختار سنی جمعیت کشور، به طور کلی، و جمعیت واقع در سنین ازدواج، به طور خاص، دچار تغییر گردیده است. تغییرات همزمان در ازدواج، امکان وجود ارتباط بین این دو پدیده را به ذهن متبادر می‌سازد. این مقاله با استفاده از نتایج منتشر شده سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، تاثیرپذیری تغییرات ازدواج از تحولات ساختار سنی جمعیت را در کل کشور و به تفکیک مناطق شهری و روستایی مورد مطالعه قرار می‌دهد. تاثیر تغییرات ساختار سنی بر نسبت زنان و مردان هرگز ازدواج نکرده در دوره‌های زمانی مختلف و در میان کوهورت‌های موالید متوالی با استفاده از تکنیک استاندارد سازی کنترل شده و روندهای ازدواج به تفکیک جنس برای نقاط شهری و روستایی با استفاده از دو رویکرد مقطعی و کوهورتی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشابه‌سازی ساختار سنی نمی‌تواند تفاوت‌های دوره‌ای و کوهورتی ازدواج را محو نماید. به این ترتیب، تغییرات اخیر ازدواج در ایران مستقل از ساختار سنی اتفاق افتاده و علل آن را باید در عواملی غیر از تغییرات ساختار سنی جستجو کرد.

واژگان کلیدی: ساختار سنی، الگوهای ازدواج، استانداردسازی، دوره، کوهورت

۱. از همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای دکتر محمدجلال عباسی شوازی در تدوین این مقاله سپاسگذاری می‌شود.

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران fatemeh_torabi@ut.ac.ir

۲. استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

مقدمه

پدیده گذار جمعیتی در ایران در چند دهه گذشته به تغییر ساختار سنی جمعیت ایران منجر گردیده است. باروری بالا در سال‌های پیش از نیمه دهه ۱۳۶۰ و کاهش شدید و سریع آن تا اواخر دهه ۱۳۷۰ موجب کوچک شدن قاعده هرم سنی گردید. همزمان با حرکت کوهورت بزرگ موالید دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به میانه هرم سنی، سن ازدواج نیز رو به افزایش نهاد (ترابی و بشییری ۱۳۸۱) و موضوع عدم توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج به یکی از موضوعات مورد توجه و بحث‌انگیز در تحقیقات علمی مبدل گردید (دردی آهی ۱۳۸۱؛ جعفری مژدهی ۱۳۸۲؛ کمالی و کوششی ۱۳۸۳؛ کوششی ۱۳۸۳؛ احمدی و همتی ۱۳۸۷). تعدادی از مطالعات انجام شده با تحلیل پیامدهای تغییر در ساختار سنی جمعیت واقع در سنین ازدواج، به نتیجه‌گیری و برآورد مازاد مردان و زنان واجد شرایط ازدواج پرداخته و مضیقه ازدواج ایجاد شده در اثر عدم توازن جنسی در بازار ازدواج را مورد تأکید قرار دادند. این دسته از مطالعات، عمدتاً بر اساس سناریوهای مختلف در مورد فاصله سنی همسران، گمانه‌زنی‌های گوناگونی را درباره کاهش شانس ازدواج زنان و مردان در دهه‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ مطرح و آن را به عنوان عامل مهمی در روند روبه تأخیر ازدواج جوانان دانسته‌اند. از سوی دیگر، تعداد دیگری از تحقیقات انجام شده (کمالی و کوششی ۱۳۸۳؛ کوششی ۱۳۸۳)، استدلال‌های مطرح شده در خصوص اثبات تنگنای ازدواج را زیر سؤال بردند و معتقدند علی‌رغم تغییرات بزرگی که در وضعیت ازدواج جوانان نسل‌های جدید در حال وقوع است، ویژگی‌های جمعیتی مرتبط با تنگنای ازدواج، که از طریق ساختار سنی عمل می‌کنند، در روند تأخیر ازدواج اهمیت چندانی ندارد. این پژوهش‌ها، در مقابل بر نقش بالقوه مهم‌تر تغییرات اجتماعی، مانند ارزش‌ها و نگرش‌ها و به طور کلی عوامل اجتماعی که نظام ازدواج و همسرگزینی را تعیین می‌کنند، تأکید دارند.

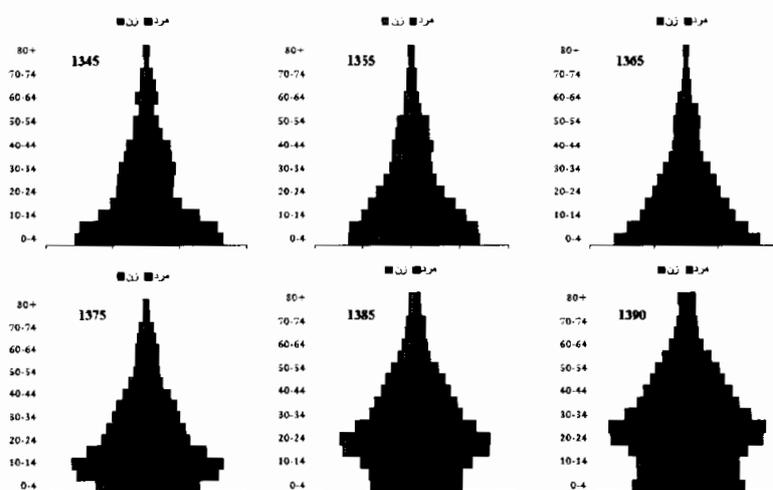
استدلال‌های عنوان شده در رابطه با اثبات ورد پیامدهای تنگنای ازدواج جوانان بر روند تأخیر ازدواج، بررسی‌های بیشتری را طلب می‌کند. مقاله حاضر، در صدد ارزیابی حدود صحت و سقم هر کدام از دیدگاه‌های فوق نیست، بلکه از منظر متفاوتی می‌کوشد تا تأثیر مستقل تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت را، فارغ از تأثیر دیگر عوامل، بر تغییر الگوهای ازدواج در ایران بررسی نماید. برای این منظور، با به‌کارگیری تکنیک استانداردسازی، سهم تغییراتی که در ساختار سنی جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ رخ داده است، کنترل می‌شود و تأثیر پذیری تحولات مقطعی و کوهورتهی ازدواج از تغییرات ساختار سنی بررسی و تحلیل می‌گردد. بر این مبنای، ابتدا نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در این سال‌ها و در کوهورت‌های موالید ده ساله ۱۳۳۵-۱۳۲۶ تا ۱۳۶۵-۱۳۵۶ محاسبه گردیده و پس از تعیین سال‌ها و کوهورت‌های موالیدی که تغییرات ازدواج را تجربه کرده‌اند، نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در این سال‌ها

وکوهورت‌ها بر مبنای سن آن سال و کوهورتی که این تغییرات را تجربه نکرده‌اند استاندارد می‌گردد. یافته‌های این مقاله به درک پویایی‌های ازدواج در ایران و به ویژه نقش ساختار سنی جمعیت در تغییرات آن کمک می‌کند.

تغییرات ساختار سنی و ازدواج در ایران

جمعیت ایران در چند دهه گذشته پدیده گذار جمعیتی یا تغییرات مرگ و میر و باروری از سطوح بالا به سطوح پایین را تجربه کرده است (سرایی ۱۳۹۰). این پدیده و به ویژه کاهش شدید و سریع باروری از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا اواخر دهه ۱۳۷۰ (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی چاوشی ۲۰۰۹) ساختار سنی جمعیت کشور را تغییر داده است. شکل ۱ هرم‌های سنی جمعیت ایران را بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، هرم سنی تا سال ۱۳۶۵ و پیش از شروع کاهش قابل‌توجه باروری دارای قاعده‌ای پهن بوده است. قاعده هرم در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جمع‌تر شد تا این که در سال ۱۳۹۰، تحت تأثیر گشتاور رشد جمعیت و همزمان با ورود متولدین دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به سنین فرزندآوری، مجدداً روبه گسترش گذارد.

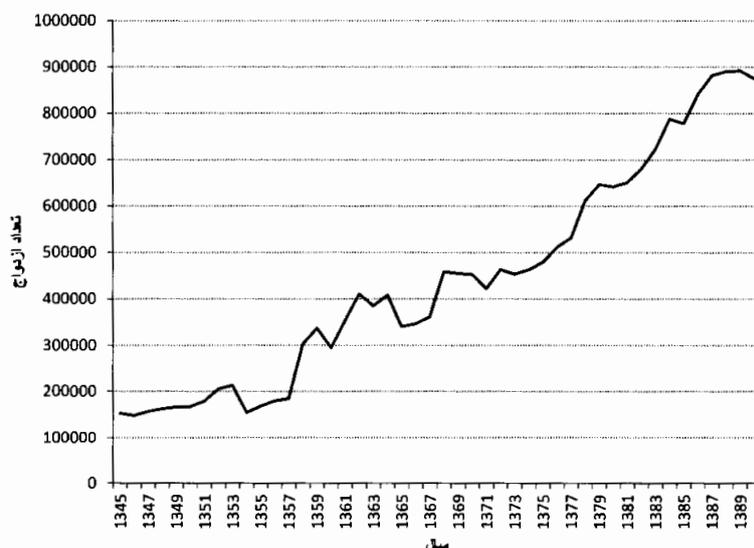
شکل ۱. هرم سنی جمعیت ایران، ۱۳۴۵-۱۳۹۰



توضیح: در تمام نمودارها آخرین گروه سنی باز است و از این رو حجم آن با سایر گروه‌های سنی که دامنه پنج ساله دارند قابل مقایسه نمی‌باشد. منبع: داده‌ها از مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)

آمارهای منتشر شده توسط سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد که همزمان با ورود متولدین دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به سنین ازدواج، فراوانی ازدواج نیز افزایش یافته است (شکل ۲). افزایش فراوانی ازدواج در این دوره را می‌توان به طور طبیعی با افزایش تعداد افرادی که در معرض ازدواج قرار گرفته‌اند مرتبط دانست.

شکل ۲. فراوانی ازدواج، ایران، ۱۳۴۵-۱۳۸۹



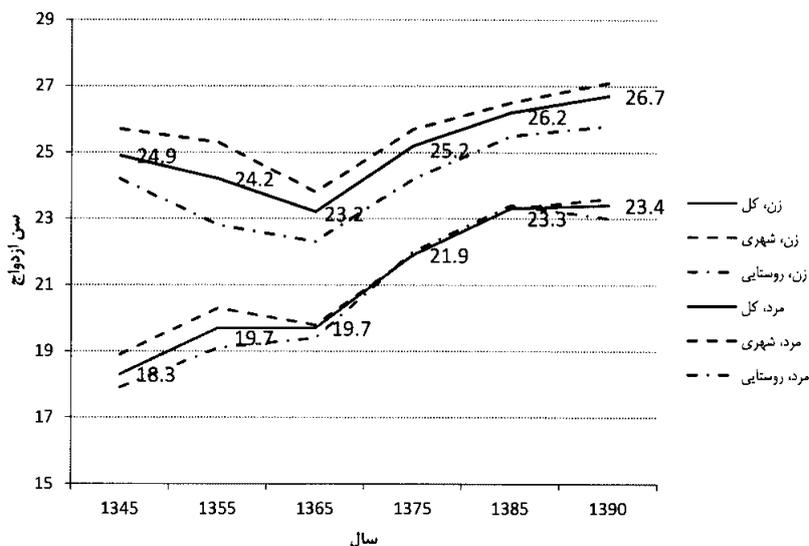
منبع: داده‌ها از سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۱)

اما طی همین دوره، سن ازدواج زنان و مردان، چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی کشور، نیز به طور قابل توجهی افزایش یافته است (شکل ۳). میانگین سن ازدواج زنان از ۱۸/۳ سال در سال ۱۳۴۵ به حدود بیست سال در سال ۱۳۵۵ رسید، تا سال ۱۳۶۵ ثابت باقی ماند، در سال ۱۳۷۵ به ۲۱/۹ سال رسید، در سال ۱۳۸۵ به ۲۳/۳ سال افزایش یافت و تا سال ۱۳۹۰ دچار تغییر قابل توجهی نگردید. میانگین سن ازدواج زنان در مناطق شهری و روستایی از میانه دهه ۱۳۶۰ بسیار نزدیک گردید، هرچند در سال ۱۳۹۰ میانگین سن ازدواج زنان در مناطق روستایی (۲۳/۰ سال) کمتر از نقاط شهری (۲۳/۶ سال) شد.

میانگین سن ازدواج مردان از حدود ۲۵ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۴/۲ و ۲۳/۲ سال در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ کاهش یافت اما پس از آن در سال ۱۳۷۵ مجدداً به حدود ۲۵ سال بازگشت و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به ترتیب، به ۲۶/۲ و ۲۶/۷ سال افزایش یافت. برخلاف آنچه در مورد

تفاوت‌های شهری- روستایی سن ازدواج زنان مشاهده شد، تفاوت‌های قابل توجهی در مورد مردان در طول دوره مورد بررسی وجود دارد. به علاوه، تفاوت سن ازدواج زنان و مردان که در ابتدای دوره مورد مطالعه (سال ۱۳۴۵) ۶/۶ بود، از سال ۱۳۶۵ به بعد در حدود ۳ سال باقی مانده است.

شکل ۳ میانگین سن ازدواج به تفکیک جنس و محل سکونت، ایران، ۱۳۴۵-۱۳۹۰



توضیح: میانگین های سن ازدواج اول با استفاده از روش هایل (میرزایی ۱۳۸۱) و در دامنه سنی ۵۰-۱۰ سال محاسبه شده‌اند.

منبع: داده‌ها از مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)

این پدیده را نیز می‌توان با تغییرات روی داده در ساختار سنی و جنسی جمعیت مرتبط دانست. به عبارت دیگر، عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در نتیجه اختلاف سنی زوجین می‌تواند به کاهش فراوانی همسران بالقوه مطلوب (از نظر فاصله سنی)، فرایند طولانی‌تر جستجو برای همسر مناسب و در نهایت تاخیر ازدواج بینجامد. آنچه تاکنون کمتر در مطالعات قبلی مورد توجه قرار گرفته است، تأثیر مستقیم حجم و ساختار سنی جمعیت در وقوع ازدواج است زیرا نه تنها عامل جمعیتی ساختار سنی (یا تعداد زنان و مردان واقع در سن ازدواج) بلکه عوامل اجتماعی و اقتصادی گوناگون نیز می‌توانند بر وقوع ازدواج تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، مطالعات گذشته نشان داده‌اند تحصیلات زنان نقش بسیار مهمی در زمان ازدواج آنان دارد (محمودیان ۱۳۸۳، ترابی و بشیری ۲۰۱۰). از افزایش انتظارات مادی در دوران پس از جنگ تحمیلی نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار بر پیش نیازهای مادی مرتبط با تشکیل خانواده و در نتیجه افزایش سن ازدواج زنان یاد شده است (ترابی و همکاران ۲۰۱۲). بنابراین، مطالعه حاضر سعی دارد با استفاده از روش

استانداردسازی بر مبنای سن، میزان تأثیرپذیری تغییرات ازدواج (به طور خاص، تغییر در نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده) را از تغییرات ساختار سنی تعیین نماید.

پیشینه تحقیق

تعدادی از پژوهش‌های قبلی به تحلیل روندها و عوامل مرتبط با تغییرات زمان بندی و فراگیری ازدواج در ایران پرداخته‌اند. هرکدام از این مطالعات، ابعادی از تغییرات ازدواج در ایران را واکاوی نموده‌اند. بخشی از این پژوهش‌ها، به تغییر نگرش‌های ازدواج (عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی، حسینی چاوشی و مک‌دونالد ۲۰۰۸) و بخش دیگری از آنها به تفاوت‌ها و روند تغییرات مرتبط با زمان بندی و سن ازدواج (امانی ۱۳۸۰؛ کاظمی پور ۱۳۸۳؛ میرزایی، کوششی و ناصری ۱۳۷۵؛ محمودیان ۱۳۸۳؛ ضربایی و مصطفوی ۱۳۹۰) و یا تحلیل مقایسه‌ای فرصت‌های موجود برای دختران و پسران در بازار ازدواج (درودی‌آهی ۱۳۸۱؛ جعفری مزدهی ۱۳۸۲؛ احمدی و همتی ۱۳۸۷) توجه نشان داده‌اند.

طی چند دهه اخیر، افزایش سن ازدواج و کاهش فراگیری آن، به ویژه در مورد زنان یکی از ابعاد مهم تغییرات ازدواج بوده است. امانی (۱۳۸۰) روند تحولات جمعیتی ازدواج را در فاصله زمانی چهار دهه، از سال ۷۵-۱۳۳۵، بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که عوامل زودرسی و فراگیری ازدواج، گرچه در اولین سرشماری بعد از انقلاب توقف زودگذری را تجربه کرده، اما به طور کلی سیر نزولی را پیموده است. متناسب با این روند، میزان عمومی ازدواج از رقم ۵/۳ در هزار طی دوره ۵ ساله قبل از انقلاب، به رقمی بین ۸/۰ تا ۸/۴ در هزار در دوره زمانی بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۰ افزایش و سپس به ۷/۸ در هزار در سال ۱۳۷۵ تنزل می‌یابد. به علاوه بر اساس شاخص درصد افراد ازدواج کرده تا زمان سرشماری، در دوره مذکور، ۲۰ نقطه درصد کاهش در فراگیری ازدواج مردان و ۲۸ نقطه درصد کاهش در فراگیری ازدواج زنان اتفاق افتاده است.

کاظمی پور (۱۳۸۳) به تحلیل روند تحولات سن ازدواج و عوامل مرتبط با آن، پرداخته است. یافته‌های مطالعه نشان داده است که بین متوسط سن ازدواج و متغیرهایی نظیر محل سکونت، قومیت، تحصیلات و سطح توسعه استان‌های کشور رابطه وجود دارد. با این حال، یافته‌های مطالعه فوق بیانگر آن است که ارتباط بین متوسط سن ازدواج و محل سکونت در سالیان اخیر رویه کاهش بوده و اختلاف نقاط شهری و روستایی در میانگین سن ازدواج، از ۲/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۰/۹ در سال ۱۳۸۱ رسیده است. به علاوه، تفاوت‌های قومی قابل ملاحظه‌ای در سن ازدواج مشهود است و در این سال میانگین سن ازدواج در بین گروه‌های مختلف قومی از ۲۰/۸ سال برای قوم بلوچ تا ۲۴/۹ برای قوم گیلک نوسان دارد.

محمودیان (۱۳۸۳)، با تحلیل علل مرتبط با ازدواج زنان و مردان در ایران، نشان داده است که مدت ازدواج، میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر، و قومیت از جمله متغیرهای مهم و مرتبط با سن ازدواج هستند. به طوریکه ازدواج‌های جدیدتر در زمان‌های دیرتری اتفاق افتاده‌اند. علاوه بر این، تحصیلات بالاتر، و سکونت در شهر، با سن بالاتر به هنگام ازدواج مرتبط بوده است. در مقابل، نسبت خویشاوندی بین زوجین، با پایین‌تر بودن سن ازدواج هم برای مردان و هم برای زنان ارتباط نزدیکی داشته است.

با وجود تغییر سن واقعی ازدواج، روند تغییرات نگرشی در چند دهه گذشته کمتر بررسی و مستند شده است. با این حال بررسی‌های مردم شناسانه قبلی، سن مطلوب ازدواج را برای دختران زیر ۲۰ سال، با تمرکز بیشتر بر سنین ۱۸-۱۶ سالگی گزارش کرده‌اند (باوئرا ۱۹۸۴: ۲۸۱؛ گالیک و گالیک ۱۹۷۸: ۵۱۷). عباسی شوازی، حسینی چاوشی و مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۲۲۳)، براساس یک مطالعه مقطعی که به منظور مطالعه تحولات باروری در چهار استان منتخب کشور در سال ۱۳۸۱ به اجرا درآمد، تفاوت نگرش کوهورت‌های مختلف ازدواج را در مورد سن مطلوب ازدواج برای دختر و پسر، اندک ملاحظه می‌کنند و نشان می‌دهند که توافق نظری میان جوانان و سالمندان در مورد سن مطلوب ازدواج وجود دارد. براساس گزارش این مطالعه، در استان‌های منتخب کشور سن مطلوب ازدواج، با تمرکز بیشتر بر دامنه سنین ۲۳-۱۹ برای دختران و ۲۷-۲۳ برای پسران قرار داشته است. با توجه به این که سن مطلوب ازدواج، براساس استانداردهای بین‌المللی و با توجه به افزایش سطح آموزش در جامعه ایران، نسبتاً جوان است، استدلال آنان بر این است که به خاطر آن که فرصت اشتغال برای زنان محدود است، جایگزین مناسبی برای ازدواج زودرس زنان وجود ندارد. عسکری‌ندوشن، عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۸) با مقایسه دیدگاه‌ها و نگرش‌های مادران و دختران به مطالعه تفاوت‌ها و تغییرات بین نسلی در ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تفاوت بین نسلی اندک و غیرمعناداری در خصوص سن ایده‌آل ازدواج برای پسران بین دو نسل مادران و دختران (به ترتیب ۲۶/۱ و ۲۶/۵) وجود داشته است. در مقابل سن ایده‌آل ازدواج دختران به ترتیب برابر با ۲۲/۱ و ۲۳/۲ سال بوده است که تفاوت معناداری را بین دو نسل در جهت تمایل بیشتر نسل جدید در به تأخیر انداختن سن ازدواج نشان داده است.

تعدادی از پژوهش‌های قبلی، ارتباط تغییرات یاد شده در ساختار سنی جمعیت کشور را با الگوهای ازدواج مورد مطالعه قرار داده و با توجه به سن ازدواج بالاتر مردان نسبت به زنان و عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج، گمانه‌زنی‌های گوناگونی را درباره کاهش شانس ازدواج زنان و مردان

1. Bauer

2. Gulick and Gulick

در دهه‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال، درودی آهی (۱۳۸۱) با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ و شاخص‌های نسبت فراهمی جفت و شاخص مقایسه‌ای شانس ازدواج، شانس بسیار کمتر ازدواج زنان (به ویژه زنان دارای تحصیلات عالی و ساکن در مناطق روستایی) را نسبت به مردان نشان داد. جعفری مزدهی (۱۳۸۲) نیز با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۷۵ و شاخص نسبت جنسی ازدواج کمتر بودن تعداد پسران نسبت به دختران در سنین ازدواج را نشان داد. احمدی و هم‌متی (۱۳۸۷) از داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ استفاده کردند تا نسبت جمعیت ازدواج نکرده را به تفکیک گروه‌های سنی و مناطق شهری و روستایی محاسبه کنند. نتایج این مطالعه نشان داد تا سال ۱۳۹۰، دختران با تنگنا یا مضیقه ازدواج روبرو هستند اما در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران به وجود می‌آید. کمالی و کوششی (۱۳۸۳؛ همچنین کوششی ۱۳۸۳)، ضمن مرور مطالعات انجام شده، شواهدی را در رد ادعای تنگنای ازدواج ارائه می‌کنند و معتقدند که تغییر در وضعیت ازدواج جوانان در ایران مستقل از تنگنای ازدواج بوده است. به گونه‌ای که تنگنای ازدواج در مقایسه با عوامل دیگر، احتمالاً اثر ناچیزی بر مجرد ماندن دختران تا سنین بالاتر یا به تأخیر افتادن ازدواج آنان دارد. برآوردهای حاصل از مطالعه مذکور نشان می‌دهد که ضریب تنگنای ازدواج در ایران در سال ۱۳۸۰ حدود ۰/۰۷۲۶ و نسبت عدم تحقق ازدواج زنان در اثر تنگنای ازدواج حدود یک درصد است. آنها این برآورد را با ارقام مشاهده شده در دیگر کشورها قابل مقایسه می‌دانند. برای مثال محاسبات مشابه برای کشور اردن نشان دهنده ضریب ۰/۱۴۳ و نسبت ازدواج‌های محقق نشده ۳/۳ درصد است. کشورهای فیلیپین (۱۹۷۰)، مکزیک (۱۹۷۱) و شیلی (۱۹۷۱) نیز وضعیتی تقریباً مشابه دارند. ضریب تنگنای ازدواج در این کشورها حدود ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ است که موجب عدم تحقق حدود یک درصد از ازدواج جمعیت زنان واقع در دامنه معمول سنی در هنگام ازدواج بوده است (کوششی ۱۳۸۳).

روش و داده‌های تحقیق

در این مقاله داده‌های سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور خاص، اطلاعات منتشر شده درباره وضعیت هرگز ازدواج نکرده به تفکیک سن، جنس و محل سکونت شهری-روستایی به کار می‌رود. میزان تاثیرپذیری تغییرات ازدواج از تغییرات ساختار سنی با استفاده از روش جمعیت‌شناختی استاندارد سازی نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده بر مبنای سن (سیگل و سوانسون ۲۰۰۴) بررسی می‌شود. برای این منظور ابتدا نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ محاسبه می‌گردد تا سالی که در آن تاخیر ازدواج اتفاق افتاده است مشخص گردد. شاخص‌های دوره‌ای ازدواج به سبب تاثیرپذیری از نوسانات دوره‌ای ازدواج (دراثر جنگ، رکود

اقتصادی و غیره) دچار محدودیت هستند و تجربه ازدواج کوهورت‌های مولیدی که نوسانات دوره ای را پشت سر گذاشته‌اند می‌تواند تصویر دقیق‌تری از ازدواج ارائه نماید (رجوع کنید به هاینده ۱۹۹۸). از این رو در این مطالعه نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده برای کوهورت‌های مولید ده ساله ۱۳۲۶-۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵-۱۳۵۶ نیز محاسبه می‌گردد تا کوهورت‌هایی که تاخیر ازدواج را تجربه کرده‌اند مشخص شوند. سپس این نسبت در سال‌ها و کوهورت‌های مولید دارای تجربه تاخیر بر مبنای سن سال و کوهورت بدون تجربه تاخیر (سال مینا) استاندارد می‌گردد. به این ترتیب، نسبت استاندارد شده افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌ها و کوهورت‌های مورد نظر محاسبه می‌گردد. چنانچه این استاندارد سازی به تشابه نسبت‌های استاندارد شده با یکدیگر و با نسبت واقعی یا مشاهده شده افراد هرگز ازدواج نکرده در سال یا کوهورت مینا بینجامد، تفاوت‌های اولیه در وضعیت هرگز ازدواج نکرده ناشی از تفاوت‌های ساختار سنی هستند. اما اگر این استاندارد سازی به تشابه نسبت‌های استاندارد شده با یکدیگر و با نسبت واقعی در سال یا کوهورت مینا نینجامد، تفاوت‌های اولیه به عواملی غیر از تغییرات ساختار سنی مربوط می‌شوند.

جدول ۱ روش محاسبه نسبت استاندارد شده در وضعیت هرگز ازدواج نکرده را برای مردان در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. ابتدا تعداد مورد انتظار مردان هرگز ازدواج نکرده در هر گروه سنی (۱۴- تا ۴۹- ساله) با ضرب تعداد جمعیت هر گروه سنی در سال مینا (۱۳۶۵) در نسبت مردان هرگز ازدواج نکرده در سال ۱۳۷۵ به دست می‌آید. نسبت استاندارد شده یا مورد انتظار در وضعیت هرگز ازدواج نکرده در سنین ۴۹- تا ۱۰- سالگی از تقسیم تعداد مورد انتظار کل بر جمعیت کل در سال ۱۳۶۵ به دست می‌آید.

جدول ۱. توزیع مردان هرگز ازدواج نکرده ۴۹- تا ۱۰- ساله در سال ۱۳۷۵ استاندارد شده با توزیع سنی مردان در سال ۱۳۶۵، ایران

گروه سنی	تعداد جمعیت، ۱۳۶۵	نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده، ۱۳۷۵	تعداد مورد انتظار، ۱۳۷۵
۱۰-۱۴	۳۰۵۲۱۳۳	۰/۹۹۵	۳۰۴۸۲۶۴/۸۴
۱۵-۱۹	۲۶۶۰۳۶۴	۰/۹۶۶	۲۵۶۹۹۱۱/۶۲
۲۰-۲۴	۲۱۰۳۶۱۵	۰/۷۲۲	۱۵۱۸۸۱۰/۰۳
۲۵-۲۹	۱۸۲۹۶۳۹	۰/۲۷۱	۴۹۸۵۴۲/۱۷
۳۰-۳۴	۱۴۸۱۴۷۵	۰/۰۷۷	۱۱۴۰۲۳/۵۷
۳۵-۳۹	۱۰۴۳۸۱۳	۰/۰۳۰	۳۱۳۱۴/۳۹
۴۰-۴۴	۸۱۳۷۰۳	۰/۰۱۶	۱۳۳۲۹/۲۵
۴۵-۴۹	۸۱۹۲۲۵	۰/۰۱۲	۹۸۳۰/۷۰
کل جمعیت ۱۰-۴۹ ساله، ۱۳۶۵	۱۲۸۲۵۴۶۷		
تعداد مورد انتظار کل در وضعیت هرگز ازدواج نکرده، ۱۳۷۵			۷۹۴۱۸۶/۵۷
نسبت مورد انتظار (استاندارد شده) در وضعیت هرگز ازدواج نکرده، ۱۳۷۵			۰/۵۶۳
نسبت واقعی در وضعیت هرگز ازدواج نکرده، ۱۳۷۵			۰/۵۵۷

تاثیر پذیری الگوهای ازدواج از ساختار سنی

در این بخش ابتدا تغییر نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در طول زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تصویر جامع تری از تغییرات ازدواج در ایران ارائه گردد. سپس نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌ها و کوهورت‌هایی که با تأخیر ازدواج روبرو بوده‌اند بر مبنای سن، سال و کوهورتی که با این تأخیر روبرو نبوده‌اند (سال یا کوهورت مینا) استاندارد می‌گردد.

شکل ۴ نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی مختلف را به تفکیک جنس و محل سکونت بین سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. بر این اساس اگرچه ازدواج دچار تأخیر شده است، اما همچنان از عمومیت بالایی برخوردار است. در حالی که تنها ۱۳/۳ درصد زنان در سال ۱۳۴۵ تا سن ۲۰-۲۴ سالگی ازدواج نکرده بودند، این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۴۷/۱ درصد افزایش یافت. به علاوه، ۶۸/۲ و ۲۶/۷ درصد از مردان در سال ۱۳۴۵، به ترتیب، تا سن ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ سالگی ازدواج نکرده بودند، در حالی که این نسبت پس از کاهش در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و افزایش مجدد در سال‌های بعدی، به ترتیب، به ۷۷/۵ و ۴۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسید. اما در پایان دوره (سال ۱۳۹۰)، تنها ۳/۴ درصد زنان و ۲/۲ درصد مردان تا سن ۴۹-۴۵ سالگی در وضعیت هرگز ازدواج نکرده باقی مانده بودند. روند تأخیر ازدواج هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی قابل مشاهده است، هرچند ازدواج در مناطق شهری با تأخیر بیشتری نسبت به مناطق روستایی انجام می‌شود؛ به طور کلی نسبت افراد ازدواج نکرده در گروه‌های سنی مختلف در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است.

سوالاتی که در این جا مطرح می‌شود این است که تأخیر ازدواج زنان و مردان پس از نیمه دهه ۱۳۶۰ تا چه حد در تجربه کوهورت‌های مولیدی که سنین ازدواج را پشت سر گذاشته‌اند نیز منعکس می‌گردد؟ همان طور که در بخش پیش اشاره شد، شاخص‌های کوهورتی ازدواج از نوسانات دوره ای ازدواج تأثیر نمی‌پذیرند و می‌توانند تصویر دقیق تری از ازدواج ارائه نمایند. به منظور پاسخ به سوال مطرح شده، با استفاده از داده‌های سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در کوهورت‌های مولید ده‌ساله ۱۳۳۵-۱۳۲۶ تا ۱۳۶۵-۱۳۵۶ محاسبه شده و در شکل ۵ به صورت نمودار ترسیم گردیده است.

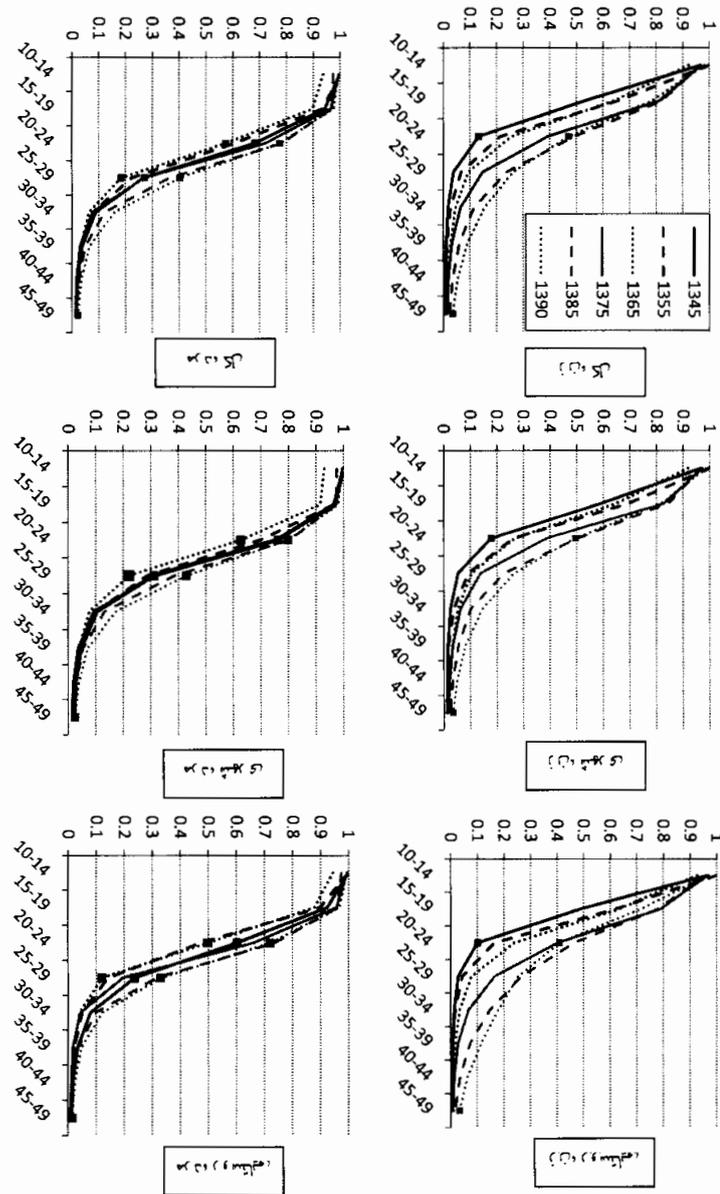
چنانچه میانگین سن ازدواج زنان را حدود ۲۰ سال در نظر بگیریم، کوهورت‌های مولید ۱۳۳۵-۱۳۲۶، ۱۳۴۵-۱۳۳۶، ۱۳۵۵-۱۳۴۶ و ۱۳۶۵-۱۳۵۶، به ترتیب، حوالی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۶، ۱۳۶۵-۱۳۵۶، ۱۳۷۵-۱۳۶۶ و ۱۳۸۵-۱۳۷۶ ازدواج کرده‌اند. در مورد مردان نیز چنانچه میانگین سن ازدواج آنان را حدود ۲۵ سال در نظر بگیریم، این کوهورت‌ها حوالی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۱، ۱۳۷۰-۱۳۶۱، ۱۳۸۵-۱۳۷۱ و ۱۳۹۰-۱۳۸۶ ازدواج کرده‌اند. با توجه به این نکته و با مشاهده شکل ۵ می‌توان تأخیر

ازدواج کوهورت‌های مولیدی را که از حوالی نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ به بعد ازدواج کرده‌اند (۱۳۵۵-۱۳۴۶ و ۱۳۶۵-۱۳۵۶) تایید نمود.

با استفاده از شکل ۵ می‌توان به این پرسش که تاخیر کوهورتی ازدواج تا چه حد به کاهش عمومیت ازدواج انجامیده است پاسخ داد، هرچند این پاسخ نمی‌تواند قطعی باشد زیرا کوهورت‌هایی که تاخیر ازدواج را تجربه کرده‌اند تا زمان آخرین سرشماری هنوز به سن مجرد قطعی (۵۰ سالگی) نرسیده بودند؛ در سال ۱۳۹۰ کوهورت متولدین ۱۳۴۶-۱۳۵۵ در گروه‌های سنی ۳۹-۳۵ و ۴۴-۴۰ ساله و کوهورت متولدین ۱۳۶۵-۱۳۵۶ در گروه‌های سنی ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ ساله قرار داشته‌اند. مقایسه نسبت زنان هرگز ازدواج نکرده در این کوهورت‌ها با کوهورت‌های پیش از تاخیر ازدواج در این گروه‌های سنی کاهش افراد ازدواج کرده را در کوهورت‌های جوان تر نشان می‌دهد. به طور خاص، ۶/۱ و ۵/۴ درصد زنان در کوهورت ۱۳۵۵-۱۳۴۶، به ترتیب، در گروه‌های سنی ۳۹-۳۵ و ۴۴-۴۰ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند در صورتی که این نسبت‌ها در کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶، به ترتیب، ۳/۵ و ۳/۲ درصد بوده‌اند. به همین صورت، ۲۳/۸ و ۱۵/۴ درصد زنان در کوهورت ۱۳۶۵-۱۳۵۶، به ترتیب، در گروه‌های سنی ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند در صورتی که این نسبت‌ها در کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶، به ترتیب، ۹/۴ و ۶/۴ درصد بوده است.

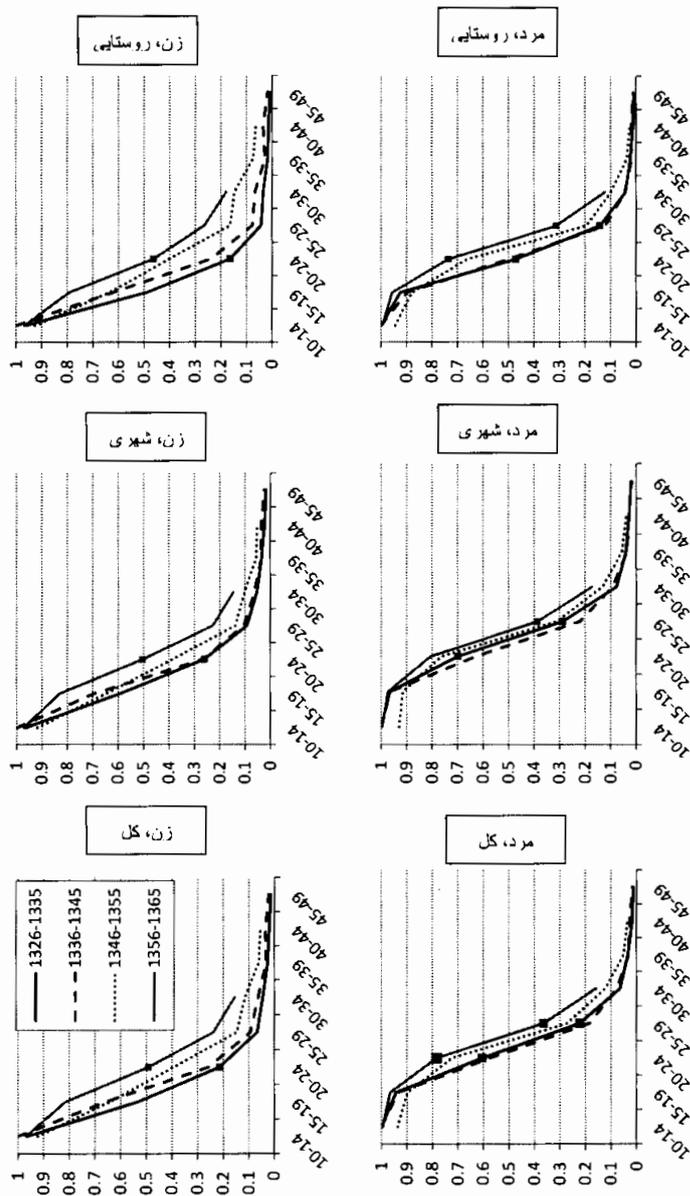
در مورد مردان نیز چنین الگویی مشاهده می‌شود، هرچند این تفاوت‌ها کم‌رنگ‌تر هستند. ۵/۰ و ۳/۵ درصد از مردان در کوهورت ۱۳۵۵-۱۳۴۶، به ترتیب، در گروه‌های سنی ۳۹-۳۵ و ۴۴-۴۰ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند در صورتی که این نسبت‌ها در کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶، به ترتیب، ۳/۰ و ۲/۶ درصد بوده است. به همین صورت، ۳۶/۴ و ۱۵/۹ درصد از مردان در کوهورت ۱۳۶۵-۱۳۵۶، به ترتیب، در گروه‌های سنی ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند در صورتی که این نسبت‌ها در کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶، به ترتیب، ۱۸/۳ و ۷/۷ درصد بوده است. با توجه به مشاهده همین الگوها در مناطق شهری و روستایی می‌توان امکان کاهش عمومیت ازدواج در کوهورت‌های اخیر را پیش‌بینی کرد، هرچند برای رسیدن به پاسخ قطعی باید تا رسیدن این کوهورت‌ها به سن مجرد قطعی منتظر ماند.

شکل ۴. نسبت افراد مرکز ازدواج نگزده به تفکیک جنس و فصل سکونت، ایران، ۱۳۴۰-۱۳۴۸



منبع: داده‌ها از مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)

شکل ۵. نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده به تفکیک جنس و محل سکونت، ایران، کوردهای موالید ۱۳۲۶-۱۳۲۸ تا ۱۳۶۶-۱۳۶۸



منبع: داده‌ها از مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)

پس از شناسایی سال‌ها و کوهورت‌های مولیدی که با تاخیر ازدواج رویرو بوده اند (سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و کوهورت‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۶ و ۱۳۶۵-۱۳۵۶)، اکنون نوبت آن رسیده است که نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده را بر مبنای سن، سال و کوهورت مولیدی که با این تاخیر رویرو نبوده اند (سال ۱۳۶۵ و کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶) استاندارد سازیم. جدول ۲ نسبت‌های استاندارد شده در وضعیت هرگز ازدواج نکرده برای مردان و زنان در کل کشور و در مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را بر مبنای سن سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد. این نسبت‌ها ابتدا برای سنین ازدواج ۱۰-۴۹ سالگی و سپس برای سنین اوج ازدواج ۲۰-۳۴ سالگی محاسبه شده‌اند.

جدول ۲ نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استاندارد شده با توزیع سنی سال ۱۳۶۵ به تفکیک

جنسی و محل سکونت

۲۰-۳۴ سالگی				۱۰-۴۹ سالگی				
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
کل								
-/۳۱۴	-/۳۰۴	-/۲۲۱	-	-/۴۹۵	-/۴۹۱	-/۴۵۳	-	زن، نسبت استاندارد شده
-/۳۰۴	-/۳۱۳	-/۲۱۷	-/۱۴۴	-/۳۳۳	-/۴۲۱	-/۴۶۱	۰/۳۷۹	زن، نسبت واقعی
-/۴۸۱	-/۴۶۰	-/۳۹۲	-	-/۶۰۴	-/۵۸۸	-/۵۶۳	-	مرد، نسبت استاندارد شده
-/۴۶۱	-/۴۷۴	-/۳۸۱	-/۳۰۲	-/۴۶۸	-/۵۱۸	-/۵۵۷	۰/۵۰۳	مرد، نسبت واقعی
شهری								
-/۳۲۲	-/۳۰۱	-/۲۱۴	-	-/۴۸۶	-/۴۷۴	-/۴۳۲	-	زن، نسبت استاندارد شده
-/۳۰۹	-/۳۱۰	-/۲۰۵	-/۱۵۴	-/۳۶۹	-/۴۰۹	-/۴۴۷	۰/۳۶۳	زن، نسبت واقعی
-/۴۹۴	-/۴۷۰	-/۴۱۷	-	-/۵۸۷	-/۵۷۰	-/۵۴۹	-	مرد، نسبت استاندارد شده
-/۴۷۷	-/۴۸۹	-/۴۰۰	-/۳۳۱	-/۴۶۶	-/۵۰۹	-/۵۴۸	۰/۴۹۱	مرد، نسبت واقعی
روستایی								
-/۲۹۴	-/۳۱۱	-/۲۳۲	-	-/۴۹۸	-/۵۰۹	-/۴۷۸	-	زن، نسبت استاندارد شده
-/۲۹۰	-/۳۱۹	-/۲۳۹	-/۱۲۹	-/۳۸۲	-/۴۴۸	-/۴۸۴	۰/۳۹۹	زن، نسبت واقعی
-/۴۳۸	-/۴۳۳	-/۳۴۹	-	-/۶۱۶	-/۶۰۷	-/۵۸۰	-	مرد، نسبت استاندارد شده
-/۴۲۰	-/۴۳۳	-/۳۴۷	-/۲۵۶	-/۴۷۵	-/۵۲۸	-/۵۷۴	۰/۵۱۹	مرد، نسبت واقعی

نکته: توضیحات مربوط به نسبت‌های واقعی و استاندارد شده در متن ارائه گردیده است.

استاندارسازی بر مبنای سن در میان زنان و مردان و در مناطق شهری و روستایی در مجموع به تشابه نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال مینا (۱۳۶۵) با نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌های بعد (نسبت‌های استاندارد شده) نینجامیده است. البته، این استاندارد سازی نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را، علیرغم تفاوت اولیه (نسبت‌های واقعی)، بسیار مشابه ساخته است. در کل کشور، نسبت واقعی یا مشاهده شده زنان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۱۰-۴۹

پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران

سالگی در سال ۱۳۶۵، ۰/۳۸ است و نسبت‌های استاندارد شده در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به ترتیب، ۰/۴۵، ۰/۴۹ و ۰/۴۹ می‌باشند. در سنین اوج ازدواج (۲۰-۳۴ سالگی) نیز چنین الگویی مشاهده می‌شود، هرچند نسبت‌های واقعی در وضعیت هرگز ازدواج نکرده در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نیز بسیار مشابه هستند و در واقع تفاوت چندانی در الگوی ازدواج در این سنین در این دو سال مشاهده نمی‌شود. بنابراین، تفاوت‌های مشاهده شده در نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده بین سال ۱۳۶۵ و سال‌های پس از آن را نمی‌توان به تفاوت‌های ساختار سنی مربوط دانست، هرچند چنین بیانی در مورد تفاوت‌های اولیه در وضعیت هرگز ازدواج نکرده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ صدق نمی‌کند. در جدول ۳ نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در کوهورت‌های مولیدی که تاخیر ازدواج را تجربه کرده‌اند (۱۳۵۵-۱۳۴۶ و ۱۳۶۵-۱۳۵۶) بر مبنای سن کوهورت پیش از تجربه تاخیر ازدواج (۱۳۴۵-۱۳۳۶) استاندارد شده است. جوان‌ترین کوهورت (۱۳۶۵-۱۳۵۶) در زمان آخرین سرشماری (۱۳۹۰) بیش از ۲۴ سال نداشته است. به همین دلیل، دامنه سنی مورد مطالعه ۱۰-۳۴ سالگی در نظر گرفته شده است. هرچند این دامنه سنی تا سن مجرد قطعی یا ۵۰ سال فاصله زیادی دارد، اما نسبت بسیار زیادی از زنان و مردان تا گروه سنی ۳۴-۳۰ سالگی ازدواج می‌کنند (به شکل ۵ توجه کنید). بنابراین، استفاده از این دامنه سنی در مطالعه حاضر، هرچند دارای محدودیت است، اما قابل توجیه می‌باشد.

جدول ۳ نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در کوهورت‌های مولید ۱۳۴۶-۱۳۵۵ و ۱۳۶۵-۱۳۵۶ استاندارد شده با توزیع سنی کوهورت

مولید ۱۳۴۵-۱۳۴۶ به تفکیک جنس و محل سکونت

	سالگی ۲۰-۳۴			سالگی ۱۰-۳۴			کل
	۱۳۵۹-۱۳۶۵	۱۳۴۶-۱۳۵۵	۱۳۳۶-۱۳۴۵	۱۳۵۹-۱۳۶۵	۱۳۴۶-۱۳۵۵	۱۳۳۶-۱۳۴۵	
زن، نسبت استاندارد شده	۰/۲۰۰	۰/۲۲۴	-	۰/۵۳۷	۰/۴۴۸	-	زن، نسبت استاندارد شده
زن، نسبت واقعی	۰/۲۱۲	۰/۲۲۱	۰/۱۴۱	۰/۵۳۹	۰/۴۵۵	۰/۴۱۷	زن، نسبت واقعی
مرد، نسبت استاندارد شده	۰/۴۴۳	۰/۳۸۰	-	۰/۶۶۲	۰/۵۹۹	-	مرد، نسبت استاندارد شده
مرد، نسبت واقعی	۰/۴۶۴	۰/۳۶۶	۰/۲۸۵	۰/۶۷۸	۰/۶۰۰	۰/۵۶۴	مرد، نسبت واقعی
شهری							
زن، نسبت استاندارد شده	۰/۲۹۱	۰/۲۰۹	-	۰/۴۹۷	۰/۴۰۴	-	زن، نسبت استاندارد شده
زن، نسبت واقعی	۰/۳۳۴	۰/۲۰۴	۰/۱۴۴	۰/۵۰۷	۰/۴۱۰	۰/۳۸۳	زن، نسبت واقعی
مرد، نسبت استاندارد شده	۰/۴۴۵	۰/۳۹۳	-	۰/۶۴۰	۰/۵۸۵	-	مرد، نسبت استاندارد شده
مرد، نسبت واقعی	۰/۴۷۶	۰/۳۷۸	۰/۳۰۷	۰/۶۶۹	۰/۵۷۸	۰/۵۵۱	مرد، نسبت واقعی
روستایی							
زن، نسبت استاندارد شده	۰/۲۱۷	۰/۲۵۱	-	۰/۵۸۷	۰/۵۰۸	-	زن، نسبت استاندارد شده
زن، نسبت واقعی	۰/۲۳۲	۰/۲۵۲	۰/۱۳۶	۰/۵۹۹	۰/۵۲۰	۰/۴۶۴	زن، نسبت واقعی
مرد، نسبت استاندارد شده	۰/۴۲۶	۰/۳۵۲	-	۰/۶۸۷	۰/۶۱۹	-	مرد، نسبت استاندارد شده
مرد، نسبت واقعی	۰/۴۳۵	۰/۳۴۲	۰/۲۴۸	۰/۶۹۶	۰/۶۳۳	۰/۵۸۳	مرد، نسبت واقعی

همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، استانداردسازی بر مبنای سن در میان زنان و مردان و در مناطق شهری و روستایی نه تنها نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در کوهورت مینا (۱۳۴۵-۱۳۳۶) را با نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در کوهورت‌های بعدی (نسبت‌های استاندارد شده) مشابه نساخته، بلکه تفاوت قابل توجهی نیز در نسبت‌های واقعی ایجاد نکرده است. در کل کشور، نسبت واقعی یا مشاهده شده زنان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۴-۱۰ سالگی در کوهورت ۱۳۴۵-۱۳۳۶، ۰/۴۲ نسبت‌های واقعی ۱۳۴۶-۱۳۵۵ و ۱۳۴۶-۱۳۶۵، به ترتیب، ۰/۴۵ و ۰/۵۴ و نسبت‌های استاندارد شده در این کوهورت‌ها نیز، به ترتیب، ۰/۴۵ و ۰/۵۴ می‌باشند. در سنین اوج ازدواج (۳۴-۲۰ سالگی) نیز چنین الگویی مشاهده می‌شود. بنابراین، تفاوت‌های مشاهده شده در نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده بین کوهورت‌های مختلف را نمی‌توان به تفاوت‌های ساختار سنی مربوط دانست.

خلاصه و نتیجه‌گیری

این مقاله سعی داشت تا ضمن ترسیم تصویری جامع از تغییرات ازدواج در میان زنان و مردان در مناطق شهری و روستایی کشور، تأثیرپذیری این تغییرات از تغییرات ساختار سنی را با رویکردی جمعیت‌شناختی و با تحلیل مقطعی و کوهورتی بررسی کند. برای این منظور از داده‌های سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ مورد استفاده قرار گرفت تا شاخص‌های میانگین سن ازدواج و نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده را برای این سال‌ها و برای کوهورت‌های موالید ده ساله ۱۳۲۶-۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵-۱۳۵۶ محاسبه و روند تغییرات آنها تحلیل گردد. پس از تعیین سال‌ها و کوهورت‌های موالیدی که تغییرات ازدواج را تجربه کرده‌اند، نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در این سال‌ها و کوهورت‌ها را بر مبنای سن سال و کوهورتی که این تغییرات را تجربه نکرده‌اند استاندارد گردید و اهمیت تفاوت و تشابه ساختار سنی در وضعیت هرگز ازدواج نکرده را تعیین گردید.

یافته‌ها از تأخیر ازدواج زنان و مردان در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و در میان کوهورت‌های موالید ۱۳۴۶-۱۳۵۵ و ۱۳۴۶-۱۳۶۵ حکایت دارد. به علاوه، هرچند عمومیت ازدواج در این سال‌ها دچار تغییرات قابل توجهی نگردیده و همچنان در سطح بالایی باقی مانده است، تجربه ازدواج کوهورت‌های موالید از امکان کاهش عمومیت ازدواج زنان و مردان در میان این کوهورت‌ها خبر می‌دهد. البته برای رسیدن به پاسخ قطعی، این کوهورت‌ها باید به سن مجرد قطعی (حدود ۵۰ سال) برسند. چنین یافته‌هایی نه تنها در کل کشور بلکه به طور کلی در مناطق شهری و روستایی نیز مشاهده شد که از همگرایی رفتار ازدواج در این مناطق حکایت دارد. با این حال، علیرغم تغییرات چشمگیری که در الگوهای ازدواج در ایران اتفاق افتاده است، نتایج مطالعه مؤید آن است که تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت را نمی‌توان مستقل از تأثیرگذاری سایر عوامل، بعنوان عامل مهم و

تعیین‌کننده‌ای در تغییر الگوهای ازدواج دانست. به گونه‌ای که انتقال کوهورت‌های بزرگ متولدین دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به سنین ازدواج، هرچند نسبت جمعیت آماده ازدواج را افزایش داده است، اما مقایسه نسبت‌های استاندارد شده‌ای که در آن تفاوت‌های ساختار سنی جمعیت بین سرشماری‌های مختلف و کوهورت‌های مختلف کنترل شده است، نشان می‌دهد که هم در بین مردان و هم در بین زنان افزایش نسبتاً آرامی در نسبت هرگز ازدواج‌نکرده‌ها در مقاطع ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ اتفاق افتاده است. از سوی دیگر، صرف‌نظر از تفاوت‌های اولیه‌ای که در نسبت ازدواج‌نکرده‌های مردان و زنان وجود دارد، از نظر روند افزایشی که در طول زمان اتفاق افتاده است، تفاوت چشمگیری در روند رو به افزایش این نسبت‌ها بین مردان و زنان وجود ندارد.

بر مبنای یافته‌های مطالعه، استانداردسازی نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده نشان داد که مشابه‌سازی توزیع سنی در سال‌ها و کوهورت‌های مولیدی که با تاخیر ازدواج روبرو بوده اند نمی‌تواند تفاوت‌ها در الگوهای ازدواج آنها را از بین ببرد. این یافته نیز در کل کشور و در مناطق شهری و روستایی مشاهده گردید. به این ترتیب، تغییرات اخیر در ازدواج را باید در عواملی غیر از تغییرات ساختار سنی جستجو کرد. چنانکه نی-برولکین^۱ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد، بازار ازدواج بیش از تصور جمعیت‌شناسان انعطاف پذیر است و خود را با تغییرات ساختار سنی منطبق می‌سازد. یافته‌های این مقاله نیز، ضمن تأیید مطالعات پیشین مبنی بر انعطاف‌پذیری بازار ازدواج ایران نسبت به توزیع سنی (ترابی و بشیری ۲۰۱۰؛ ترابی و همکاران ۲۰۱۲؛ کمالی و کوششی ۱۳۸۳) و حتی توزیع تحصیلی زنان و مردان واقع در سن ازدواج (عسکری ندوشن و ترابی ۱۳۸۹)، بر نقش سایر عوامل مرتبط با ازدواج (نظیر افزایش تحصیلات، تغییر نگرش نسبت به ویژگی‌های همسر مطلوب در اثر افزایش تحصیلات و شهرنشینی، افزایش انتظارات مادی و بالا رفتن استانداردهای لازم برای شروع زندگی) در تغییرات اخیر ازدواج در ایران تأکید می‌کند. البته درک اهمیت نسبی عوامل گوناگون در ازدواج هر یک از دو جنس و برای افراد برخوردار از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت مستلزم انجام پژوهش‌های جداگانه می‌باشد. پژوهش‌هایی که می‌توانند تصویر جامع‌تری از پویایی‌های ازدواج در ایران ترسیم نمایند.

منابع

- احمدی، وکیل و رضا همتی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مضیقه ازدواج در ایران (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵). *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*. ۱۱(۴۱): ۴۳-۶۴.
- امانی، مهدی (۱۳۸۰). «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (۷۵-۱۳۳۵)». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷. صص. ۳۳-۴۶.

درودی آهی، ناهید (۱۳۸۱). "تحولات دموگرافیک و پدیده مضیقہ ازدواج در ایران." مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران: مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. صص ۱۹۵-۲۰۸.

جعفری مؤدهی، افشین (۱۳۸۲). "عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران." فصلنامه پژوهش زنان، (۵۱): ۸۳-۱۰۴.

سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۱). آمار رویدادهای حیاتی [منبع الکترونیک]. تهران. <http://www.sabteahval.ir>

سرابی، حسن (۱۳۹۰). جمعیت‌شناسی: مبانی و نظریه‌ها. تهران: سمت.

ضرابی، وحید و سیدفرخ مصطفوی (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران: یک رویکرد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۶۴-۳۳. عسکری ندوشن، عباس و ترابی، فاطمه (۱۳۸۹). "سطح، روند و الگوی همسان همسری تحصیلی در ایران." نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۹، صص ۲۹-۵۵.

عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی‌شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). «مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد.» فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴۴. صص ۳۶-۷.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن.» پژوهش زنان، دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۰۳.

کمالی، افسانه و مجید کوششی (۱۳۸۳) تحلیل وضعیت ازدواج زنان در ایران، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کوششی، مجید (۱۳۸۳) «چالش‌ها و تنگناها: مناقشاتی در مورد تأخیر ازدواج در جوانان.» مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۹.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان." نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۲۷-۵۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن ۸۵-۱۳۴۵ [منبع الکترونیک]. تهران. <http://www.sci.org.ir>

میرزایی، محمد (۱۳۸۱) گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. میرزایی، محمد، مجید کوششی و محمدباقر ناصری (۱۳۷۵). برآورد و تحلیل شاخص‌های حیاتی- جمعیتی کشور در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰. گزارش طرح پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (بخش تحقیقات جمعیت‌شناسی)، دانشگاه تهران:

دانشکده علوم اجتماعی.

- Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald, and M. Hosseini-Chavoshi, (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. Springer.
- Abbasi-Shavazi M. J. & P. McDonald & M. Hosseini-Chavoshi (2008). "The Family and Social Change in Post-Revolutionary Iran." In K. M. Yount and H. Rashad (eds). *Family in the Middle East: Ideational Change in Egypt, Iran, and Tunisia*. New York: Routledge. Pp. 217-235.
- Bauer, J. (1984). "New Models and Traditional Networks: Migrant Women in Tehran." In J. T. Fawcett, S. Khoo, and P. Smith (eds). *Women in the Cities of Asia: Migration and Urban Adaptation*. Boulder, Colorado: Westview Press.
- Gulick, J. and M.E. Gulick (1978). "The Domestic Social Environment of Women and Girls in Isfahan, Iran." In L. Beck and N. Keddie (eds). *Women in the Muslim World*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Hinde, A. (1998). *Demographic Methods*. London: Arnold.
- Ni-Bhrolchain, M. (2001). "Flexibility in the Marriage Market." *Population: An English Selection* 13(2): 9-47.
- Siegel, J.S. and D.A. Swanson, (2004). *The Methods and Materials of Demography*. San Diego: Elsevier Academic Press.
- Tashakkori, A. & V.D. Thompson (1988). "Cultural Change and Attitude Change: An Assessment of Postrevolutionary Marriage and Family Attitudes in Iran." *Population Research and Policy Review* 7(1): 3-27.
- Torabi, F. and Baschieri, A. (2010). Ethnic Differences in Transition to First Marriage in Iran: The Role of Marriage Market, Women's Socio-economic Status, and Process of Development. *Demographic Research* 22(2): 29-62.
- Torabi, F., Baschieri, A., Clarke, L. and Abbasi-Shavazi, M.J. (2012). Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-economic and Cultural Change in Time and Space. *Population, Space and Place*. DOI: 10.1002/psp.1710.